



بررسی تأثیر خشونت و ترس در ادبیات کودک و نوجوان و تأثیر آن در رفتار کودکان

الهام عرفانی فیروزنیا^۱

۱- فوق لیسانس ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه غیر انتفاعی امام رضا (ع)

erfanie۸۵۲@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر خشونت و ترس در ادبیات کودک و نوجوان و تأثیر آن در رفتار کودکان می‌پردازد. در ابتدا، نویسنده به توضیح اهمیت ادبیات کودک و نوجوان و تأثیر آن در توسعه روانی و اجتماعی کودکان اشاره می‌کند و به بررسی تأثیر خشونت و ترس در این ادبیات می‌پردازد. سپس، نویسنده به بررسی نوع خشونت و ترس در ادبیات کودک و نوجوان می‌پردازد. او به تحلیل نوع خشونت و ترس در ادبیات مختلف از جمله داستان‌های رعب، داستان‌های جنگی و داستان‌های فراطبیعی می‌پردازد و تأثیر آن‌ها در رفتار کودکان را بررسی می‌کند. در ادامه، نویسنده به بررسی راهکارهایی برای کاهش تأثیر خشونت و ترس در ادبیات کودک و نوجوان می‌پردازد. او به توجه به نیازهای روانی و اجتماعی کودکان، انتخاب ادبیات مناسب، تأمین پشتیبانی از طرف خانواده و محیط تحصیلی، و همکاری با نویسندگان و ناشران در ایجاد ادبیات با محتوای سالم و آموزنده اشاره می‌کند. تحلیل ژانر ادبیات وحشت با رویکرد تحلیلی صورت گرفته است و از نظر ماهیت از نوع بررسی توصیفی و تحلیلی است. مطالعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مطالعات بر روی کتاب‌ها و فیش برداری از میان منابع کتاب‌ها، مجلات، مقالات انجام گرفته شده است. به طور خلاصه، این مقاله به بررسی تأثیر خشونت و ترس در ادبیات کودک و نوجوان و تأثیر آن در رفتار کودکان پرداخته است و به تحلیل نوع خشونت و ترس در ادبیات، راهکارهایی برای کاهش تأثیر آن در رفتار کودکان و بهبود ادبیات کودک و نوجوان پرداخته است.

کلمات کلیدی: خشونت، ترس، ادبیات کودک و نوجوان، کودکان، دانش آموزان



مقدمه

پژوهش حاضر با عنوان مطالعات تاثیرخشنونت در ادبیات نمایشی بر روان کودک و نوجوان است که هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر خشم و خشنونت در ادبیات نمایشی بر روان کودکان و نوجوانان است که این پژوهش با مطالعات و همچنین شناخت به رشد و روان کودکان و نوجوانان ایجاد گردیده است. مسئله این پژوهش توجه به روان شناسی کودک و تأثیر وحشت بر روحیه و روان آنهاست و با هدف شناخت و تحلیل اثر ژانر ادبیات و نمایش نامه‌های هیجان انگیز و وحشت بر روان کودکان شکل گرفته است. به خاطر وجود علاقه کودکان و نوجوانان به هنرهای نمایشی ادبیات و داستان‌های نمایشی که باعث تقویت روحیه کودکان و نوجوانان می‌شود این پژوهش با پرسش چگونه خشنونت می‌تواند در روان کودکان تأثیر گذارد ایجاد گردیده است. به نظر می‌رسد کودکان زمانی که در ارتباط با تاتر و نمایش یا داستان‌های کودکان و ادبیات نمایشی قرار می‌گیرند واکنش‌هایی از خودشان نشان می‌دهند که کودکان تحت تأثیر قرار می‌دهد گاهی همانند یک جنگجو و گاهی قهرمان یک داستان می‌شوند و آنها را متأثر می‌سازد با برقراری ارتباط میان کودکان و داستان‌های کودکان می‌توان به تفکرات و شناخت روان کودکان دست پیدا کرد. در این مقاله به بررسی بهداشت روانی در سلامت کودکان پرداخته می‌شود. در تعریف بهداشت روانی باید اشاره داشت که بهداشت روانی؛ یعنی داشتن احساس آرامش و امنیت درون و به دور بودن از اضطراب، افسردگی و تعارض‌های مزمن روانی. درباره نحوه ایجاد این مسئله به علت وجود نگرش و باورهای موجود در افراد که در طول زندگی از اطراف و محیط پیرامون خود تأثیر پذیرفتن و در زندگی و سلامت روان آنها تأثیر بسیار مهم می‌گذارد. علاوه بر بعد جسمانی به بعد روحی و معنوی هم تأثیر می‌گذارد. سلامت روان نه باعث بهبود زندگی و رشد و پیشرفت می‌شود بلکه در روابط هم تأثیر مهمی دارد. سلامت روان نداشتن بیماری روانی نیست بلکه سلامت روان باعث می‌شود فرد سازگاری بیشتری داشته باشد. (چوپانی، ۱۴۰۰) در کودکان هم این مسئله اتفاق می‌افتد که گاهی تحت تأثیر اتفاق‌ها یا موضوعاتی دچار ترس و اضطراب شوند که در زندگی فردیشان و متأثر از محیط پیرامون است. کودکانی که بیشتر به بازی‌های خشنونت آمیز و یا داستان‌های تخیلی همراه با ژانر وحشت و هیجان مطالعه یا تماشا می‌کنند که مناسب سن آنها نیست بیشتر از کودکان دیگر تأثیر پذیر هستند و برای آنها استرس و اضطراب را در طول روز به همراه می‌دارد همان گونه که در اطلاعات به دست آمده مشخص شده است که بهداشت روانی، مربوط به سلامت عاطفی است که به گونه‌ای افراد بتواند استرس را از خود دور کنند.

پیشینه ادبیات:

اسپید، ندا در پژوهش خود تحت عنوان بررسی ویژگی‌های زبانی قصه‌های منظوم در ادبیات کودکان و نوجوانان به نتایجی دست یافتند که قصه‌های منظوم از آنجا که عنصر شعر و قصه را یک جا دارند، به عنوان یک نوع ادبی خاص پیوسته مورد توجه هستند. به ویژه در حوزه ادبیات کودک، بهره مندی قصه‌های منظوم از عنصر آهنگ و موسیقی موجب شده است که این نوع ادبی به مراتب بیش از آثار منشور مشابه مورد توجه کودکان قرار گیرد. از سوی دیگر در شعر کودک به دلیل ویژگی‌های خاص مخاطب، بحث زبان از اهمیتی ویژه برخوردار است و چنانچه در این زمینه توجه لازم صورت نگیرد، هرگز ارتباطی مؤثر میان نویسنده و مخاطب ایجاد نمی‌شود.

معدلی، محمدعلی؛ مریم کوشکی جهرمی در مقاله خود تحت عنوان نقش عناصر موهوم در ادبیات کودک به نتایجی دست یافتند که ژانرهای ادبیات کودک سرشار از تخیل و فضاهای فانتزیست که در آن احساسات کودک را در قالب شخصیت‌های سرنوشت ساز داستان قرار می‌دهد. عناصر موهوم در ادبیات کودک در حوزه یکی از شاخه‌های مکاتب ادبی به نام سورئالیسم (فراواقعی) قرار می‌گیرد تا تجربیات کودک را بسازد. این عناصر در بررسی‌های روان شناسانه به ساختار شخصیتی مهربان و آرام در بزرگسالی و اجتماع منجر می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

میترا الهی، داود عبدالهی در مقاله خود تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر بهداشت روانی دانش آموزان و نقش آنها در پیشرفت تحصیلی آنها، به نتایجی دست یافتند که بین پرخاشگری و افسردگی رابطه معناداری وجود دارد و با توجه به اینکه افسردگی پرخاشگری مادراحتمالا منجر به بروز عوامل مانند نبود تعامل مناسب بین کودک و مادر، محرومیت عاطفی در دوران کودکی، سهل انگاری‌ها در دوران تحصیل و... می‌شود از این رو عوامل پیشگفته تأثیر مستقیم و ملموس در سطح وابستگی و دل‌بستگی واکنشی کودکان در اشکال مختلف اضطراب و ترس و جامعه‌گریزی و ناتوانی‌های مختلف دارد. بین پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد و علاوه بر آن در نسبت سنجی میان پرخاشگری در دانش آموزان ممتاز و پرخاشگری در دانش آموزان ضعیف رابطه معناداری وجود دارد. همچنین پرخاشگری والدین از عوامل مؤثر در ایجاد ناکامی دانش آموزان است به طوری که پرخاشگری والدین در پیشرفت تحصیلی و افسردگی دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد و با توجه به ادراک دانش آموزان از شیوه پرخاشگرانه والدین، بین ناکامی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود داشته است. از طرفی بین شغل والدین و شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه با پرخاشگری دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

ربابه حسین نژاد دوین، هانا پیری در مقاله خود تحت عنوان ارتباط اوقات فراغت با بهداشت روان به نتایجی دست یافتند که سلامت روان به عنوان یکی از دو رکن سلامتی، لازمه یک زندگی مفید، مؤثر و رضایت بخش فردی است و سلامت روان افراد یک جامعه، خصوصاً اقشار مؤثر و سازنده آن، لازمه پویایی، بالندگی و اعتلای آن جامعه است. سلامت روان با سلامت اخلاقی ارتباط مؤثر و تنگاتنگی دارد و سلامت روانی شامل سلامت کامل اخلاقی، عاطفی و اجتماعی و نبودن بیماری‌های روانی همانند افسردگی، اضطراب و فشار روانی می‌باشد. این مقاله بر آن است که نقش فعالیت‌های فعال و غیر فعال زمان فراغت را در رابطه با سلامت روان و اخلاق بشناسد. در واقع، سرگرمی‌ها و کارهای ذوقی که با میل و علاقه انجام می‌شود خارج از محیط کار و آموزش است و فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که جوانان و نوجوانان برای لذت بردن و با انتخاب خودشان انجام می‌دهند، نه به صورت فعالیت‌های اجباری یا برای به دست آوردن رتبه یا اعتبار و موقعیت

پژوهش ۱: کودکانی که به مدت طولانی به مشاهده خشونت در رسانه‌ها می‌پردازند، تمایل بیشتری به پرخاشگری در دنیای واقعی نشان می‌دهند.

در سال ۱۹۵۶، پژوهشگران به مقایسه آزمایشگاهی رفتار ۲۴ کودک، پس از تماشای تلویزیون پرداختند. نیمی از آن‌ها، بخشی از یک کارتون خشونت آمیز را مشاهده کردند و نیمی دیگر، به تماشای یک کارتون بدون خشونت پرداختند. پس از آن، محققان مشاهده کردند که هنگام بازی، کودکانی که کارتون خشونت آمیز نگاه کرده‌اند، تمایل بیشتری برای ضربه زدن به کودکان دیگر و شکستن اسباب‌بازی‌ها از خود نشان می‌دهند.

شش سال بعد در سال ۱۹۶۳، پروفیسور بادورا و راس، به مقایسه تأثیر دیدن خشونت در زندگی واقعی، برنامه تلویزیونی و برنامه کارتونی پرداختند. آن‌ها صد کودک پیش دبستانی را به چهار گروه تقسیم کردند. گروه اول، به مشاهده شخصی پرداختند که به یک عروسک بادی دشنام می‌دهد و با چکش، آن را کتک می‌زند. گروه دوم، این صحنه را در تلویزیون مشاهده کردند. گروه سوم، نسخه کارتونی این رویداد را دیدند و گروه چهارم هیچ کدام را مشاهده نکردند.

هنگامی که در مرحله ی بعد، این کودکان در معرض وضعیت نامطلوب قرار داده شدند، رفتار گروه اول بیش از گروه چهارم پرخاشجویانه بود. کودکانی که صحنه را در تلویزیون مشاهده کرده بودند، به همان میزان گروه اول به پرخاشگری روی آوردند و هر دو گروه، بیش از گروه سوم که نسخه کارتونی را دیده بودند، پرخاشگری کردند.



گروه دیگری از محققان، سعی کردند رابطه میان مشاهده خشونت در رسانه و پرخاشگری را در خارج از آزمایشگاه و در وضعیت معمول زندگی بررسی کنند. به عنوان نمونه، مطالعات نشان می دهد کودکان و نوجوانانی که تمایل به استفاده از سرگرمی های خشونت آمیز داشته اند در مقایسه با کودکانی که نمایش های خشونت آمیز کمتری مشاهده کرده اند، شاخص های پرخاشگری بالاتری کسب کرده اند.

راول هیوزمان، مطالعات انجام شده در استرالیا، فنلاند، لهستان، هلند و امریکا را بررسی کرده است. به باور او «احتمال پرخاشگری در کودکی بالاتر است که (الف) بیشتر اوقات به تماشای برنامه های خشونت آمیز تلویزیون می پردازد. (ب) اعتقاد دارد که این نمایش ها، واقعیت زندگی را به تصویر می کشد و (ج) با شخصیت های خشن این نمایش ها، همزات پنداری قوی احساس می کند».

نتایج یک پژوهش که توسط موسسه خانواده کایزر در سال ۲۰۰۳ انجام شده است، نشان می دهد، تقریباً نیمی (۴۷ درصد) از والدین کودکان ۴ تا ۶ سال گفته اند که کودک آن ها از رفتارهای خشونت آمیز نمایش های تلویزیونی تقلید می کند. جالب توجه است که بدانیم کودکان بیشتر علاقه مند به تقلید رفتارهای مثبت شخصیت ها هستند (۸۷ درصد کودکان).

مطالعات تازه، به بررسی تاثیر رسانه های جدید بر رفتار کودکان پرداخته اند. کریگ اندرسون و براد بوشمان از دانشگاه ایالتی آیوا، تحقیقات مفصلی در زمینه بازی های کامپیوتری انجام داده اند. در سال ۲۰۰۱، آن ها گزارش کردند که کودکان و نوجوانانی که حتی برای یک دوره زمانی کوتاه به بازی های کامپیوتری خشن می پردازند، تمایل بیشتری به پرخاشگری در دنیای واقعی دارند؛ افزون بر این، این بازی ها هم بر کودکان پرخاشگر و هم بر کودکان غیر پرخاشگر، تاثیرات نامطلوبی می گذارند.

در سال ۲۰۰۳، کریگ اندرسون به همراه نیکولاس کارنگی و جانی اوبانکس از مرکز خدمات اجتماعی تگزاس گزارش کردند که گوش دادن به موسیقی های خشن نیز افکار پرخاشگرانه و احساسات خصمانه را در میان ۵۰۰ دانشجوی تحت آزمایش، تقویت کرده است.

پژوهش ۲: کودکانی که به تماشای خشونت های جدی در رسانه ها می پردازند، بیشتر در معرض بروز رفتارهای پرخاشگرانه در بزرگسالی قرار دارند.

در سال ۱۹۶۰، پروفسور لئونارد ارون از دانشگاه میشیگان، به مطالعه ی ۸۵۶ دانش آموز کلاس سوم در یک ناحیه ی روستایی پرداخت و دریافت کودکانی که به تماشای برنامه های خشن تلویزیون می پردازند، در مدرسه رفتارهای خشونت آمیز بیشتری بروز می دهند. ارون به مطالعه و تعقیب این آثار در بلند مدت پرداخت و در سال ۱۹۷۱، هنگامی که افراد مورد مطالعه به ۱۹ سالگی رسیدند، مطالعه خود را درباره آن ها تکرار کرد و نتیجه گرفت پسرانی که برنامه های خشن تلویزیون را در هشت سالگی مشاهده کرده اند، با احتمال بیشتری به قانون شکنی در نوجوانی می پردازند.



هنگامی که ارون و هیوزمان در سال ۱۹۸۲ پژوهش خود را ادامه دادند، افراد تحت آزمایش به ۳۰ سالگی رسیده بودند. آن‌ها گزارش کردند آزمایش شونگانی که در سن ۸ سالگی به تماشای برنامه‌های خشن تلویزیونی پرداخته‌اند، با احتمال بیشتری در بزرگسالی به جنایت‌های جدی، اعمال خشونت علیه کودکان خود و رفتارهای خشن با همسران شان می‌پردازند.

پژوهش ۳: مشاهده‌ی خشونت در رسانه، حساسیت افراد را در زندگی واقعی نسبت به خشونت کاهش می‌دهد.

شماری از پژوهش‌ها در ۱۹۷۰ نشان داده‌اند افرادی که بیشتر به مشاهده خشونت در رسانه‌ها می‌پردازند، هنگام مشاهده خشونت در دنیای واقعی، اضطراب کمتری بروز می‌دهند و با قربانیان چنین حوادثی، کمتر احساس همدردی می‌کنند. برای نمونه، پروفیسور کلاین، کرافت و کوریر به مطالعه پسران نوجوان در یک دوره دوساله پرداختند و در سال ۱۹۷۳ گزارش کردند پسرانی که بیش از ۲۵ ساعت در هفته به تماشای تلویزیون می‌پردازند، به میزان در خور توجهی در خشونت‌های واقعی، بیشتر از پسرانی که ۴ ساعت در هفته و یا کمتر تلویزیون تماشا می‌کنند، برآشفته می‌شوند.

مقدمه:

بخش چشمگیری از ادبیات کودک را ادبیات غیر داستانی می‌سازد که اغلب به آن کم‌تر توجه می‌شود. حجم بزرگی از نوشته‌هایی که کودکان می‌خوانند از جمله کتاب‌های درسی، کتاب‌های علمی آموزشی و دانش‌نامه‌ها از گونه‌های مختلف ادبیات غیرداستانی است. ادبیات کودک نوجوان گونه‌های متنوعی دارد؛ از داستان‌های مصور گرفته تا داستان‌های فانتزی که امروزه از رایج‌ترین گونه‌ها در این حوزه است. ژانر وحشت در داستان‌های ادبیات به خصوص برای کودکان و نوجوانان مضر است و تماشای خشونت و ترس بر صفحه تلویزیون و یا خواندن داستان‌های وحشت‌ناهنه‌تنها اثر خوبی بر روحیه کودکان نمی‌گذارد بلکه آثار مخربی بر رفتار و پرخاشگری کودکان و نوجوانان می‌گذارد. (نادری، ۱۳۹۹)

ژانر وحشت در یک دهه اخیر در ادبیات کودک و نوجوان بروز گسترده‌ای یافته است و از پرمخاطب‌ترین انواع ادبی نوشته شده برای کودکان و نوجوانان است. در این نوشته‌ها که المان‌های ادبیات گوتیک که در گذشته تنها در ادبیات بزرگسال و فیلم ترسناک استفاده می‌شد بهره می‌گیرد. عده‌ای از کارشناسان استفاده نویسندگان از سبک وحشت را برای کودکان و نوجوانان مناسب نمی‌دانند و عده دیگری از متخصصان ادبیات کودک با تکیه بر مبانی روانشناسی کودک استفاده کودکان و نوجوانان از داستان‌هایی که آنها را با ترس آشنا می‌کند را مفید می‌دانند. با وجود این همچنان نویسندگان جهان و همچنین نویسندگان ایرانی به نوشتن داستان‌های ژانر وحشت برای کودکان می‌پردازند. برخی از متخصصان این تغییر در ادبیات کودک را نشانه بلوغ ادبیات کودک و نوجوان و تغییر در تعارف گذشته از کودک و نوجوان و نیازهای او می‌دانند.

به عقیده منتقدان، نویسندگان ادبیات وحشت در طول تاریخ از جنبه‌های مذهبی و زیبایی‌شناسی کمی فاصله گرفته‌اند و در سالیان اخیر بیش از پیش روی جنبه‌های ذهنی و ناخودآگاه انسان تمرکز می‌کنند (نادری، ۱۳۹۹)

لحن داستان برای ایجاد یک اتمسفر تاریک، بی‌احساس و پر از ترس و وحشت است؛ مثل این می‌ماند که نویسنده از دستی با تشریح نکردن یک موقعیت خاص، خواننده را حرص بدهد تا در ناشناخته بودن یک موقعیت یا شخص، احساس ترس و دلهره ایجاد شود. حوادث ناگهانی صورت می‌گیرد، البته به تعداد کم، زیرا باید غیرقابل پیش‌بینی باشند. داستان‌ها معمولاً با خشونت بالا روایت می‌شوند انسان‌ها در موقعیت‌های مختلف داستان، نیمه تاریک خود را نشان می‌دهند تا باعث انزجار مخاطب شوند معمولاً فرم داستان گویی، سوم شخص است و راوی خود نویسنده می‌باشد.



زیگموند فروید نظریه روانکاوی را مطرح نمود و بتدریج این نظریه رشد یافت، طبقت این نظریه اعمال ما ناشی از برخی نیروها و محرکهای درونی است که اغلب در سطح ناخدا آگاه عمل می‌کند، از طرفی فروید معتقد است که اعمال و رفتار ما از دو دسته غرایز متضاد نشات می‌گیرد یکی غریزه زندگی و دیگری غریزه مرگ است، که غریزه مرگ (می‌تواند به شکل خودکشی متوجه درون گردد یا بصورت پرخاشگری به دیگران و به سوی بیرون متوجه گردد. بر اساس نظرات ارائه شده بنظر می‌رسد تماشای برنامه‌های خشونت و پرخاشگری در وسایل ارتباط جمعی با زمینه‌های قبلی در شخصیت نوجوانان و کودکان و حتی بزرگسالان پیوسته است و افراد کجرو بیشتر به تماشای چنین برنامه‌ها علاقه نشان می‌دهند. (اصغری نکاح، ۱۳۸۲) (این وحشت را به طور مستقیم یا غیر مستقیم به فرزندان نیز منتقل می‌کنیم، حال آن که می‌توانیم به او نشان دهیم که مرگ، ادامه زندگی است. اما همه این‌ها برای توسعه و ژرفا بخشیدن به زندگی نشاط بخش است و اگر فرزندان ما از همان ابتدا فایده و کارکرد هر یک از این فضیلت‌ها را بدانند، به گونه‌ای دیگر زندگی خواهند کرد. دو سویه بودن نیازها نیازها، از هر نوعی که باشند، می‌توانند هم سازنده باشند و هم تخریب‌گر، هم ویران‌کننده باشند و هم رشددهنده روح و روان و هم تحلیل‌برنده و کاهنده جان ما. اگر فرزندان ما این واقعیت‌های متضاد و تناقض‌آلود را در زندگی خود کشف کنند، قطعاً به گونه‌ای دیگر مفهوم قدرت، ثروت و بخشندگی را خواهند فهمید. به عنوان مثال، اگر فرزندانمان در درس و تحصیل معدل بالا می‌گیرد، بیش از آن که این موفقیت در زندگی کودک نقش داشته باشد، برای ارضای نیاز والدین کاربرد دارد. (براتوند، ۱۳۸۲)

محققین ترس را یک عامل دفاعی در برابر ناشناخته‌ها می‌دانند. به طور کلی انسان‌ها اعمال خود را ترس محدود کرده‌اند و قادر به انجام دادن آن نیستند. ژانر وحشت نیز با باور بر همین محدودیت‌های انسان، شروع به داستان‌سرایي از ناشناخته‌ها و تجربه نشده‌های انسان‌ها کرده و داستان‌های مرموز با اتمسفر سنگین را برای هیجان مردم خلق می‌کند. البته قبل از شناخته شدن این ژانر به عنوان یک اثر هنری و تفریحی، احتمالاً ژانر وحشت در انسان اولیه نیز ناخودآگاه بوده است و آنها در مورد چیزهایی که نمی‌شناختند داستان‌ها و افسانه‌های ترسناک برای منطقی نشان دادن ترس خود، تعریف می‌کردند.

یکی از ویژگی‌هایی که در ادبیات ترس وجود دارد که کودکان بیشتر آن را می‌پسندند لذت بخش بودن مساله و موضوع‌هایی که به صورت طبیعی ناخوشایند هستند که باعث می‌شود کودکان بیشتر به خواندن این سبک داستان‌ها بپردازند. همچنین علاوه بر آن کنجکاوی و میل به از سر گذراندن تجربه‌های ناشناخته یا کمتر شناخته شده یکی دیگر از دلایل علاقه مندی کودکان به این سبک ژانر است. والدین تا جایی می‌توانند به کودکان خود علاقه مندی به سبک کتاب‌هایی دیگر را پیشنهاد بدهد زیرا باعث می‌شود که سر و کار با ترس را کاهش دهند. تحقیقات دیگر نشان داده‌اند که یکی از مهم‌ترین نکات راجع به آثار ژانر وحشت، احساسی است که در حین تجربه اثر و پس از اتمام کتاب یا فیلم داریم. ضربان قلب و فشار خون ما هنگام مطالعه یا تماشای این آثار به شدت بالا می‌رود و از طرفی، بدن جوانان از این حیث توان بیشتری برای دفع آثار منفی این عملکرد دارد. پس باید کودکان را از آثار منفی در ادبیات وحشت که به همراه دارند آگاه سازیم. از این جهت توصیه نمی‌شود که کودکان این نوع داستان‌ها را دنبال کنند زیرا در سنین ۵ تا ۷ سال تماشا کردن برای کودکان به معنای باور کردن است. هم‌چنین تا پیش از چهارده سالگی، رویارویی با وحشت‌های این‌چنینی ممکن است باعث اضطراب و مشکلات کودک هنگام خواب شود. (نادری، ۱۳۹۹)

روش تحقیق

تحلیل ژانر ادبیات وحشت با رویکرد تحلیلی صورت گرفته است و از نظر ماهیت از نوع بررسی توصیفی و تحلیلی است. مطالعات به صورت کتاب‌خانه‌ای است که با مطالعات بر روی کتاب‌ها و فیش برداری از میان منابع کتاب‌ها، مجلات، مقالات انجام گرفته شده است. این پژوهش با هدف شناخت همچنین توصیف و تحلیل سبک ژانر ترس در زمینه ادبیات کودک و نقاشی به صورت مطالعات با رویکرد روانشناسی است مطالعات اینترنتی که با کمک جستجوگرها در بانک علمی و اطلاعات و کتابخانه‌های دیجیتالی صورت گرفت. لازم به ذکر است که جستجوهای گسترده با استفاده از منابع اینترنتی در راستای تحقیق انجام شده است.



یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دارا بودن ویژگی‌هایی همانند وحشت و غیرطبیعی بودن برخی داستان‌ها که از ویژگی‌های مهم داستان‌های ترسناک محسوب می‌شوند نمی‌توانند برای کودکان مفید واقع شود و باعث ایجاد آثار منفی و مخربی شدیدی بر روان آن‌ها می‌گذارد. در ادبیات وحشت با عبارت اتفاقات غیرطبیعی که دارای هیجان و ترس برای خوانندگان هستند مواجه می‌شویم وحشت و غیرطبیعی بودن از ویژگی‌های مهم داستان‌های ترسناک است که برای کودکان مفید نیست بلکه تأثیر منفی و مخربی بر روان آن‌ها می‌گذارد زیرا ترسیدن، رنج کشیدن و عصبی شدن را به همراه دارد. در نتایج به دست آمده از پژوهش در مرحله نخست به بررسی ادبیات و ادبیات وحشت در کودکان پرداختیم و به صورت مفصل به تعریف آن صورت گرفت

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیلی که در این پژوهش صورت گرفته بررسی در حوزه مطالعات ژانر وحشت در ادبیات و نمایش نامه‌های کودک و نوجوانان در مبحث روانشناسی است. نتایج در این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های موجود در ادبیات وحشت کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همچنین برای کودکان نامناسب است و سعی شود نمایش نامه‌هایی با موضوع‌های ترس برای کودکان نوشته و اجرا نشود نتایج مشخص ساخته است که آنچه باعث می‌شود تا ادبیات ژانر وحشت در میان کودکان مورد پسند واقع گردد و کودکان بیشتر به سمت این نوع ادبیات روی بیاورند ایجاد حس هیجان و وحشت است که مورد محبوبیت کودکان قرار گرفته است. بر طبق تحقیقات از قبل صورت گرفته درباره ژانر ادبیات وحشت به این نکته اشاره دارد که خوانندگان به واقعی نبودن داستان‌ها شک ندارند و خودشان را در موقعیت امنی نسبت به رویدادهای داستان می‌دانند، ترس را از نزدیک تجربه می‌کنند تا از هیجان این ترس لذت ببرند. اما اگر بخواهیم درباره ترس بگوییم یک واکنش دفاعی که منجر به ایجاد هیجان در داستان‌های وحشت می‌شود. در کودکان تجربه کردن ترس‌ها و هیجان‌ات غیر واقعی بسیار به چشم می‌خورد زیرا آن‌ها کارتون‌های هیجان انگیز را تماشا می‌کنند به دنبال داستان‌های تخیلی و غیر واقعی در زندگی خود می‌روند اما باید اشاره داشت که تماشا کارتون و خواندن ادبیات وحشت تأثیر منفی بر ذهن و روان کودک می‌گذارد اثری متفاوت در میان ادبیات ژانر وحشت که در آن؛ عامل ترس به عنوان نقش اصلی و ضد قهرمان داستان بود و روایت متفاوتی به خواننده عرضه می‌کرد.



منابع

۱. اصغری نکاح، سید محسن؛ گزارش اقدام پژوهی پیرامون کاربرد قصه به مثابه تکنیک و ابزار در مشاوره و روان درمانی کودک مجله: تعلیم و تربیت استثنایی مرداد و شهریور ۱۳۸۲ - شماره ۲۰ و ۲۱ ص ۱۴
۲. براتوند، فرشته؛ فتح تبار فیروز جانی، سمیه؛ روان شناسی: اثر تبلیغ‌های تلویزیونی بر نگرش کودکان اهوازی نسبت به مصرف مواد غذایی غیر مغذی مجله: اصلاح و تربیت سال سوم، اردیبهشت ۱۳۸۳ - شماره ۲۶ ص ۱۷
۳. ری، شیلا؛ دری، نجمه؛ قربانی، حسین؛ ادبیات کودک در کشورهای شرق دور؛ سیری در وضعیت کتاب کودک در کشورهای مغولستان، ویتنام، مالزی، تایلند، اندونزی مجله: پژوهش نامه ادبیات کودک و نوجوان زمستان ۱۳۹۲ - شماره ۶۰ ص ۶۱
۴. شفیعی، حسن؛ شقاقی، دکتر فرهاد؛ روان شناسی بالینی و شخصیت: تأثیر پردازش کلی چهره‌ای بر سوگیری توجه نسبت به چهره‌های هیجانی در کودکان مضطربمجله: روانشناسی بالینی و شخصیت پاییز و زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۵ ص ۱
۵. شفیعی، کمال؛ وقتی از ادبیات کودک و نوجوان حرف می‌زنیم، دقیقاً از چه چیزی حرف می‌زنیم؟! مجله: شعر پاییز ۱۳۹۳ - شماره ۷۱ ص ۹۶
۶. صدر، سید ضیاءالدین رؤیا از نقطه روانشناسی؛ مجله: آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) بهمن ۱۳۴۵ - شماره ۳۶۹ ص ۵۳
۷. فراهانی، حسن؛ روانشناسی خواب و رؤیامجله: معرفت بهمن ۱۳۸۰ - شماره ۵۰ ص ۷۲
۸. قریشی‌نژاد، نهضت؛ تأثیر ادبیات وحشت بر نوجوانان؛ نوجوانان چه می‌گویند؟ مجله: پژوهش نامه ادبیات کودک و نوجوان زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۵۲ ص ۱۱۲
۹. عزیز، محمد؛ امیدی تازه در ادبیات کودک مجله: نگین ۳۰ بهمن ۱۳۵۶ - شماره ۱۵۳ ص ۲۹
۱۰. کاشفی خوانساری، سید علی؛ ادبیات کودک و نوجوان در سال ۱۳۷۹ مجله: جهان کتاب اسفند ۱۳۷۹ - شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ ص ۶۰
۱۱. کامیاب، مرجان؛ پیوند ادبیات کودک و جامعه شناسی با تکیه بر تأثیر دوسویه آن‌ها بر یکدیگر مجله: کتاب مهر زمستان ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲ - شماره ۸ ص ۲۸
۱۲. کریمی، عبدالعظیم؛ روان شناسی و تربیت: نکته‌های روان شناختی در تربیت کودکان مجله: پیوند فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹ - شماره ۳۶۶ و ۳۶۷ ص ۸
۱۳. نورمن هالند؛ مترجم: جلیلی تقویان، مصطفی؛ ذهن و کتاب / بررسی‌ای کامل در باب نقد روان کاوانه ادبیات مجله: کتاب ماه ادبیات اردیبهشت ۱۳۹۲ - شماره ۷۳ ص ۲۱
۱۴. نعمتی رضایی، داوود؛ روان شناسی: بررسی اثرات رسانه‌های تصویری بر بزهکاری کودکان و نوجوانان مجله: اصلاح و تربیت دوره قدیم، بهمن ۱۳۷۸ - شماره ۶۱ ص ۵
۱۵. نادری، پگاه، مطالعات ژانر وحشت در ادبیات و روان شناسی کودک مطالعه موردی ادبیات ژانر وحشت در کودکان دبستانی، هفتمین همایش بین المللی دانش. فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، اسفند ۱۳۹۹ ص ۲ و ۷